

A Comparative Study On The Responsibility Of The Managers Of Non-Commercial Institutions Under The Protection Of The Doctrine Of Pierce The Corporate Veil

Behnam Ensafyazar*

Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Mohammadhadi Memari

Ph. D Student in Private Law, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

(Email: hadimemari@ut.ac.ir)

(Received: 2021/05/15, Accepted: 2021/08/14)

Abstract

Non-commercial institutions have independent legal personality, like commercial institutions, so they can enter into a contract, owe someone or put debt on another obligation. Because legal personality of non-commercial institutions is independent of their managers, always the institutions become liable or creditor, not their managers or members; this is while in domestic law there is no rule regarding management of non-commercial institutions and about the liability of their administrators and members. On the other hand, the silence of law doesn't deny the limited liability of administrators and members of non-commercial institutions, because limited liability protection umbrella is raised over administrators of non-commercial institutions through acceptance of independent legal personality; therefore in this article we will review the responsibility of administrators of this type of institutions, regarding the rule of "pierce the corporate veil". Initially the theory of "limited liability" will be analysed. In the following we will reveal the differences and common aspects of commercial and non-commercial institutions after description of legal personality of Non-commercial institutions. Finally we will present the appropriate approach to the administrators of non-commercial institutions to be responsible for their actions by appealing to "pierce the corporate veil" doctrine.

Keywords

pierce the corporate veil, non-commercial institutions, legal institution, legal personality.

* Corresponding Author, Email: ensafy@gmail.com, Tel: 09121989255

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۲، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صفحات ۴۳۹ تا ۴۶۰ (علمی - پژوهشی)

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدیران مؤسسه غیر تجاری در پرتو

قاعده «خرق حجاب شخصیت حقوقی»

بهنام انصافی آذر*

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

محمد هادی معماری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

(Email: hadimemari@ut.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳)

چکیده

مؤسسه غیر تجاری همانند شرکت تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل است؛ لذا مؤسسه می‌تواند اقدام به انعقاد قرارداد نماید، به کسی مدیون شود و یا دینی را بر ذمه دیگری قرار دهد. با عنایت به مستقل بودن شخصیت حقوقی مؤسسات غیر تجاری از اداره‌کنندگان آنها، مؤسسه - نه مدیران و اعضای تشکیل‌دهنده آن - در تمام حالات متعهد یا طلبکار می‌شود. این در حالی است که در حقوق داخلی هیچ‌گونه قانونی در خصوص نحوه اداره مؤسسه غیر تجاری و مسئولیت مدیران و اعضای آن وجود ندارد. از طرفی، سکوت قانون را نمی‌توان به معنی نفی مسئولیت محدود اعضا و مدیران مؤسسه غیر تجاری قلمداد نمود؛ چراکه چتر حمایتی مسئولیت محدود به واسطه پذیرش شخصیت حقوقی مستقل بر سر مدیران مؤسسات غیر تجاری برافراشته شده است. لذا در این مقاله به بررسی مسئولیت مدیران و اداره‌کنندگان این گونه از مؤسسات با توسل به قاعده «خرق حجاب شخصیت حقوقی» خواهیم پرداخت. به همین جهت ابتدا به بررسی و تحلیل نظریه «مسئولیت محدود» می‌پردازیم و در ادامه با تشریح شخصیت حقوقی مؤسسات غیر تجاری، وجه اشتراک و افتراق آن را با شرکت‌های تجاری آشکار می‌کنیم و در نهایت سعی خواهیم کرد با توسل به قواعد «خرق حجاب شخصیت حقوقی» راهکارهای مناسبی را برای مسئول دانستن مدیران و اداره‌کنندگان این نوع از مؤسسات نسبت به اعمال ایشان ارائه نماییم.

واژگان کلیدی

خرق حجاب، شخصیت حقوقی، شکاف در پوسته، مسئولیت مدیران، مؤسسات غیر تجاری، مؤسسات غیر تجاری، مؤسسه حقوقی.

مقدمه

در جغرافیای عالم حقوق آنچه اصالتاً طرف حق و تکلیف قرار می‌گیرد، انسان است و اصطلاح شخصیت حقوقی پس از علمی شدن مباحث حقوقی ابداعی بیش در عصر جدید نیست (قنبری جهرمی و باغبان، ۱۳۹۳: ۲۰۰). شخصیت حقوقی مؤسسات غیرتجاری نیز ساخته و پرداخته یک فرض قانونی است (Fiction legal) و این‌طور به‌نظر می‌رسد که هیچ‌گونه رابطه بنیادینی با جهان مادی ندارد و بر پایه نظریه «مسئولیت محدود» (Limited liability companies) بنا شده است. به همین دلیل است که عده‌ای گمان کرده‌اند حقوق دانان عصر حاضر مانند جادوگرانی هستند که شخصیتی - غیرواقعی و غیرملموس - را چنان واقعی جلوه می‌دهند تا همه فراموش کنند این‌ها فقط در تخیل ما جای دارند (هراری، ۱۳۹۶: ۵۶)؛ لذا مؤسسات غیرتجاری از اجتماع اشخاص متعددی به‌وجود می‌آیند و می‌توان اراده مؤسسات و اداره‌کنندگان آن را به شخص حقوقی نسبت داد (نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، شماره ۷/۸۳۵۸، مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۶). هرچند اعمال مؤسسات غیرتجاری تجلی اراده مدیران تصمیم‌گیرنده آن است، اما در عالم حقوق با توجه به قبول استقلال شخصیت حقوقی، این حقیقت که مؤسسات غیرتجاری اراده خاصی از خود ندارند مورد قبول حقوق دانان نیست (سوادکوهی فر و بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۹۴: ۵۷۰) و از نظر ایشان «اشخاص حقوقی، واقعیات اجتماعی موجودی هستند که قانون‌گذار ناگزیر از قبول آن شده و آن را شناسایی کرده است» (نخعی‌پور و سعیدی، ۱۳۹۸: ۷۰). از نظر تاریخی نیز اختراع شخصیت حقوقی در راستای صنعتی شدن و گسترش مشاغل حرفه‌ای با دو هدف جلب سرمایه‌گذاری، و حفظ دارایی شخصی شرکا در برابر مخاطرات تجاری بوده است. استقلال شخصیت حقوقی به حدی بدیهی است که بیشتر کشورها با نظام حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا، مسئولیت محدود اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده شخص حقوقی را به‌عنوان یک اصل مورد شناسایی قرار داده‌اند و تنها تحت شرایط استثنایی این قاعده کنار می‌رود (قنبری جهرمی و باغبان، ۱۳۹۳: ۱۸۰)؛ لذا یکی از مشخصه‌های اصلی شخصیت حقوقی در تمامی نظام‌های حقوقی، مسئولیت محدود سهام‌داران است، به این معنی که

۱. یکی از تاریخ‌دانان معاصر، خلق شخصیت حقوقی را این‌گونه تشبیه کرده است: «تقریباً به همان شکلی که کاهنان و جادوگرها در طول تاریخ، خدایان و شیاطین را خلق کرده‌اند؛ و به همان صورتی که هزاران کشیش فرانسوی همچنان پیکر مسیح را هر یکشنبه در کلیسای محل خلق می‌کنند، قانون‌گذار فرانسه نیز مقرر کرده است: اگر یک وکیل معتبر همه آیین‌ها و مناسک قضایی را به‌درستی به‌جا آورد و همه وردها و سوگندهای لازم را روی تکه کاغذی آرم‌دار درج کند و امضای مبارک خود را هم پای این سند بگذارد، آن وقت «آجی مجی لاترچی»؛ یک مؤسسه جدید ثبت و دارای شخصیت حقوقی می‌شود» (هراری، ۱۳۹۶: ۵۸).
۲. «...اعمال تصدی هر شخصیت حقوقی را یک یا چند نفر اشخاص حقیقی به عهده دارند و به هر صورت مسئولی هست که اعمال مدیریت مربوط به یک اداره را به عهده دارد...».

طلبکاران شخص حقوقی حق طرح هیچ ادعایی را علیه مدیران و سهام‌داران ندارند. این موضوع در مورد اعضای که در مدیریت یا کنترل شرکت دخالتی ندارند، تقریباً مطلق و بدون قید است، اما در خصوص مدیران با تعدیل‌هایی روبرو است (همان: ۱۹۶).

با توجه به گسترش شاخه‌های مختلف مشاغلی که ذاتاً تجاری نیستند، و کاربرد روزافزون مؤسسات غیر تجاری در بهره‌مندی افراد حرفه‌ای از مزایای آن و با توجه به سکوت قانون در خصوص نحوه اداره و مسئولیت مدیران این‌گونه از مؤسسات، تبیین راهکاری منطقی و قانونی برای تشخیص حدود مسئولیت مدیران مؤسسات غیر تجاری، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. باید دید مسئولیت اعضای این‌گونه مؤسسات محدود به آورده ایشان است یا اینکه مسئولیتی نامحدود دارند؟ آیا مسئولیت سهام‌داران تضامنی است یا نسبی؟ و آیا توافقاتی میان سهام‌داران در برابر اشخاص ثالث معتبر است یا نه؟ و حدود اختیارات مدیران تا چه میزان است و می‌توان به‌موجب اساسنامه و یا توافق بین سهام‌داران، اختیارات مدیران را محدود کرد یا نه؟ البته ما قصد نداریم در این مقاله به تمام این پرسش‌ها پاسخ دهیم، لیکن برخی از نظام‌های حقوقی این مشکلات را از طریق نپذیرفتن دیدگاه دوئالیستی حل کرده‌اند. نظام آلمان بین مؤسسات قراردادی و واقعی تمایز قائل شده و در مؤسسات قراردادی که کنترل آن به‌موجب توافق مؤسسان مورد شناسایی قرار گرفته است، سهام‌داران همیشه در قبال بدهی‌های مؤسسه خود مسئول‌اند، اما در مؤسسات واقعی یا غیرقراردادی، مدیران تنها زمانی مسئول شناخته می‌شوند که بدهی‌های مؤسسه به‌طور مؤثری ناشی از اعمال کنترل ایشان باشد (Koch & Stadtmann, 2016, p. 60). در حقوق ایران چنین تفکیکی در خصوص مؤسسات غیر تجاری وجود ندارد و تنها سخت‌گیری‌هایی نسبت به ثبت برخی از مؤسسات اعمال می‌شود؛ برای مثال، جهت ثبت مؤسسات غیرانتفاعی دریافت مجوز از شهربانی ضروری اعلام شده است^۱ (قنبری جهرمی و باغبان، ۱۳۹۳: ۱۹۳).

لذا اصل مسئولیت محدود این امکان را برای مؤسسات غیر تجاری فراهم آورده است تا از تخصص تعداد زیادی از افراد که از نحوه اداره مؤسسه اطلاعات تفصیلی ندارند، استفاده نماید. اعضای مؤسسات نیز با این اطمینان که کلیه ریسک‌های ناشی از فعالیت آن‌ها محدود به آورده ایشان بوده، مسئولیتی بیش از آن بر ایشان تحمیل نخواهد شد، اقدام به سرمایه‌گذاری کرده‌اند (نخعی‌پور و سعیدی، ۱۳۹۸: ۸۳). اما اصل مسئولیت محدود در مورد شرکت‌های تجاری نمی‌تواند به‌طور مطلق پوششی برای فرار از انجام تعهدات و مسئولیت‌های اشخاص باشد؛ به‌عبارت دیگر، این اصل در خصوص اعمال مدیرانی که در اداره کردن شخصیت حقوقی دخیل هستند با استثناهایی روبرو است (بناء نیاسری، ۱۳۸۶: ۲۶۵). یکی از استثناهای وارد بر اصل

۱. بند «ه» ماده ۶ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری

مسئولیت محدود، نظریه «خرق حجاب شخصیت حقوقی» و یا «نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی» است. از طرفی در گستره اعمال این قاعده اختلافاتی وجود دارد؛ برای مثال، در حقوق ایران و آمریکا مدیران سهام‌دار تنها مصادیق مشمول خرق حجاب شخصیت حقوقی هستند؛ لیکن در کشور فرانسه هر شخصی که مدیریت مؤسسه را به‌طور عملی^۱ و قانونی برعهده داشته باشد، مشمول قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی است (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۲). به همین جهت ابتدا به بررسی و تحلیل نظریه «مسئولیت محدود» می‌پردازیم و در ادامه با تشریح شخصیت حقوقی مؤسسات غیرتجاری، وجه اشتراک و افتراق آن را با شرکت‌های تجاری آشکار می‌کنیم و در نهایت سعی خواهیم کرد با توسل به قواعد «خرق حجاب شخصیت حقوقی» راهکارهای مناسب را برای مسئول دانستن مدیران و اداره‌کنندگان این نوع از مؤسسات نسبت به اعمال ایشان ارائه نماییم.

۱. مسئولیت محدود

«شخصیت حقوقی شامل گروهی از افراد انسان یا منفعتی از منافع عمومی است که قوانین متداول، آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲: ۱۳۳). اما باید توجه داشت که شخصیت حقوقی حقوق خصوصی در طول تاریخ تحولات زیادی را تجربه کرده است تا به ثبات و استقرار امروز دست یابد. در ابتدا اعمال تجاری از سوی مؤسساتی که به‌وسیله مالک آن اداره می‌شد، انجام می‌پذیرفت و صاحب تجارتخانه شخصاً مسئول تمام دیون مؤسسه شناخته می‌شد و «شخصیت حقوقی» مستقل از مؤسس یا مالک سرمایه شناسایی نشده بود. «در رم قدیم شخصیت حقوقی مورد شناسایی واقع گردید ولی رومی‌ها آن را منحصر به اجتماعاتی می‌دانستند که با نظم عمومی ارتباط دارد» (صفری، ۱۳۴۴: ۱۱). در دوره جدید اکثر کشورهای غربی اصل استقلال شخصیت حقوقی را شناسایی کردند و دیون و مسئولیت‌های شخص حقوقی را جدا از دیون سهام‌داران می‌دانند (Philip, 1993, p. 300). همچنین قانون‌گذاران در حقوق موضوعه برای شخصیت حقوقی حق و تکلیف قائل شده‌اند و اغلب او را واجد مسئولیت کیفری نیز می‌دانند^۲ ضمانت‌اجراهایی مانند

۱. مدیران عملی، مدیرانی هستند که در مؤسسه سهام‌دار نیستند و یا اینکه از نظر قانونی مدیر شخص حقوقی محسوب نمی‌شوند، اما از نظر عملی فعالیت ایشان رابطه مستقیمی با اعمال زبان‌بار شخص حقوقی دارد؛ مانند حسابداران، وکلا یا مدیران داخلی مؤسسه (Viandier & Cozian, 1992: 124).

۲. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

حکم ورشکستگی، انحلال، توقیف اموال و ممنوعیت از انجام برخی از فعالیت‌ها، کیفرهایی است که قانون‌گذار برای تنبیه شخصیت حقوقی در نظر گرفته است (جعفری هرنودی، ۱۳۸۴: ۵۵)؛ به همین دلیل حقوق‌دانان آلمانی بر این عقیده‌اند که «شخصیت حقوقی یک واقعیت معنوی (نه مادی) است که دارای روح و فکر اجتماعی خاصی است و این متمایز از روح و فکر هر یک از اعضاء هست» (همان، ۱۳۴۴: ۱۲).

در نهایت پس از این سیر تاریخی، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، در عصر حاضر شخصیت حقوقی را همراه با «مسئولیت محدود» می‌شناسند و به‌عبارتی مسئولیت محدود سهام‌داران را از عوارض ذاتی شخصیت حقوقی می‌دانند. شایان ذکر است که از نظر تاریخی نظریه «مسئولیت محدود»، بعد از ابداع «شخصیت حقوقی» مطرح شده است و از این جهت ابتدا مسئولیت محدود برای حفظ منافع اشخاص حقیقی (انسان‌ها) به‌کار برده می‌شد، اما به مرور زمان همین محدودیت برای اشخاص حقوقی (شرکت‌های تجاری) که به‌عنوان سهام‌دار در مؤسسه دیگری وارد می‌شدند نیز مورد استفاده قرار گرفت. لذا از نظر تاریخی قبول مسئولیت محدود سهام‌داران صرفاً به دلایل سیاسی و در جهت جذب سرمایه‌گذار مورد توجه قرار گرفته و به تدریج گسترش پیدا کرده است (قنبری جهرمی و باغبان، ۱۳۹۳: ۶۷).

۲. حقوق حاکم بر مؤسسه غیر تجاری

قانون‌گذار در باب پانزدهم قانون تجارت، قواعد مشترک اشخاص حقوقی را فارغ از نوع آن بیان نموده و در بحث شرکت‌های تجاری حسب مورد قواعد و قوانینی به فراخور نوع شرکت برای مدیران و سهام‌داران ابداع کرده است. لیکن مؤسسات غیر تجاری در این خصوص مهجور هستند و به جز یک ماده در باب زمان ایجاد شخصیت حقوقی^۱ و یک آیین‌نامه ناقص در خصوص نحوه

۱. ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها»

۲. ماده ۵۸۴ قانون تجارت: «تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجاری تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت

ثبت این‌گونه از مؤسسات او تعدادی قوانین خاص، چیز دیگری در مورد آن تصویب نشده است. البته مصادیق خلأ قانونی مشابه در حقوق خارجی به شرح زیر دیده می‌شود.

در حقوق کامن‌لا پس از گذشت چهارصد سال ممنوعیت تشکیل مؤسسات غیرتجاری، در سال ۱۹۶۰ قانون‌گذاران ایالتی آمریکا، شروع به تصویب قوانین مؤسسات حرفه‌ای کردند و به مشاغل غیرتجاری مانند وکلا، پزشکان و حسابداران مجوز تشکیل مؤسسه داده شد (Johnson, Limited Liability for Lawyers: General Partners Need not Apply, 1995, p. 92).

ایالت‌های کانادا حدود بیست سال پس از آمریکا اجازه تشکیل مؤسسه غیرتجاری حرفه‌ای را به افرادی همچون وکلا و پزشکان دادند و مقررات خاصی جدای از مقررات حاکم بر شرکت‌های تجاری را بر مؤسسات حاکم کردند. همچنین دادگاه عالی کانادا در رأی «کوین علیه کمبل»^۲ مسئولیت محدود حاکم بر شرکت‌های تجاری نسبت به مدیران مؤسسات غیرتجاری حرفه‌ای را نپذیرفت. (Fraser, 1927, p. 940) و اسپانیا در سال ۲۰۰۷ قانون مؤسسات حرفه‌ای را به تصویب رساند و به وکلا و پزشکان اجازه تشکیل مؤسسات غیرتجاری داده شد (Fasciani, 2007). برخی کشورها مانند استرالیا، دانمارک و فرانسه، برخلاف آمریکا و کانادا، قالب جدیدی برای ارائه خدمات مؤسسات غیرتجاری پیش‌بینی نکرده‌اند و ضمن پذیرش فعالیت حرفه‌ای در قالب شرکت، صرفاً به وضع مقررات خاص برای آن اقدام نموده‌اند (سوادکوهی‌فر و بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۹۴: ۵۸۰).

در هر حال، مؤسسات غیرتجاری همانند شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند، لذا مؤسسات می‌توانند اقدام به انعقاد قرارداد نمایند؛ به کسی مدیون شوند و یا دینی را بر ذمه دیگری قرار دهند و با عنایت به وصف مستقل بودن شخصیت مؤسسات غیرتجاری، در تمام این احوال، مؤسسه متعهد یا طلبکار می‌شود، نه مدیران و اعضای تشکیل‌دهنده آن. همان‌گونه که گفته شد در حقوق ایران هیچ‌گونه قالب و قانونی در خصوص نحوه اداره مؤسسات غیرتجاری و مسئولیت مدیران و اعضای آن وجود ندارد، در نتیجه و با توجه به اصولی که گفته شد، نمی‌توان این سکوت را به‌عنوان اماره‌ای بر مسئولیت مطلق اعضای چنین مؤسساتی حمل نمود. برعکس، مسئولیت محدود سهام‌داران از عوارض متأخر وجود شخصیت حقوقی است و طبق نظریات جدید مسئولیت مطلق و تضامنی نیاز به تصریح قانونی دارد. لذا مسئله اصلی این

۱. در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.

۲. آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی مصوب ۱۳۳۷.

3. The Queen v. Campbell, Supreme Court of Canada

۳. برای مثال، در تبصره ۲ ماده ۱۹۹ قانون مالیات‌های مستقیم برای مدیران شخص حقوقی مسئولیت تضامنی در نظر گرفته شده است: «هرگاه مکلف به کسر مالیات شخص حقوقی غیردولتی باشد مدیر یا مدیران مربوط نیز علاوه بر مسئولیت تضامنی نسبت به پرداخت مالیات و جرائم متعلق به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال

است که با توجه به سکوت قانون‌گذار، اصل عدم مسئولیت مدیران در برابر بدهی‌های مؤسسات غیر تجاری حاکم است. این نظر تا سال 1140 میلادی در حقوق فرانسه نیز نسبت به مسئولیت مدیران پذیرفته شده بود (Cozian & Viandier, 1992, p. 120). اما هم‌اکنون رویه قضایی در پی شکاف پوسته شخصیت حقوقی و مسئول دانستن اداره‌کنندگان آن دست به اقداماتی زده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

ماده ۳ آیین‌نامه اصلاحی ثبت مؤسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۳۷ مقرر می‌کند: «ثبت تشکیلات و مؤسسات مزبور در تهران در اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها در اداره ثبت مرکز اصلی آن به عمل خواهد آمد»؛ لذا در خصوص مرجع ثبت بین مؤسسات غیر تجاری و شرکت‌های تجاری تفاوتی وجود ندارد. همچنین مؤسسات غیر تجاری ملزم به داشتن اساسنامه، مجمع عمومی و هیئت مدیره هستند (ماده ۶ آ.ا.ث.م.غ.) و به موجب ماده ۹ آیین‌نامه، هرگونه تغییری در اساسنامه و یا صاحبان حق امضا باید ظرف یک ماه به اداره ثبت شرکت‌ها اطلاع داده شود، در غیر این صورت تغییرات در برابر اشخاص ثالث معتبر نیست. همچنین مؤسسات غیر تجاری باید هر سال حساب‌های سود و زیان خویش را در دفاتر روزنامه و کل که طبق مقررات پلمپ شده‌اند وارد کرده، در زمان مقرر به اداره دارایی تحویل دهند. نکته گفتمانی در خصوص مؤسسات غیر انتفاعی اینست که قبل از ثبت این قسم مؤسسات، نیازمند مجوزهای مربوطه از ارگان‌های صلاحیت‌دار است؛ برای مثال ثبت مؤسسات آموزشی نیازمند اخذ مجوز از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد، آموزش و پرورش و وزارت علوم و تحقیقات و فناوری است. نکته حائز اهمیت دیگر، شیوه انتخاب نام برای این مؤسسات است به نحوی که نام مؤسسه نباید از عناوین تشکیلات دولتی یا کشوری انتخاب شود. در همین خصوص، تبصره ماده ۱ مقرر می‌نماید: «تشکیلات و مؤسسات مزبور می‌توانند عناوینی از قبیل انجمن، کانون یا بنگاه و امثال آن اختیار نمایند ولی اتخاذ عناوینی که اختصاص به تشکیلات دولتی و کشوری دارد از طرف مؤسسات مزبور ممکن نخواهد بود». حال با توجه به مراتب پیش گفته، تفاوت بین مؤسسات غیر تجاری با شرکت‌های تجاری را که می‌تواند نسبت به مسئولیت مدیران مؤثر باشد، از هم تفکیک می‌کنیم.

۳. تفاوت مؤسسه غیر تجاری با شرکت‌های تجاری

غیر تجاری بودن موضوع فعالیت. اولین تفاوتی که می‌تواند نسبت به میزان و مبنای مسئولیت اعضای مؤسسات غیر تجاری با مسئولیت سهام‌داران و اداره‌کنندگان شرکت‌های تجاری تمایز

محکوم خواهند شد این حکم شامل مدیر یا مدیران اشخاص حقوقی که برای پرداخت مالیات‌های مذکور در فوق به سازمان امور مالیاتی کشور تأمین سپرده‌اند نخواهد بود».

ایجاد نماید، غیرتجاری بودن موضوع فعالیت این مؤسسات است. طبق ماده ۵۸۴ قانون تجارت، «مؤسسات غیرتجاری مؤسسه‌هایی هستند که جهت مقاصد غیرتجاری مثل امور علمی ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شوند و تشکیل‌دهندگان آن‌ها ممکن است قصد انتفاع داشته و یا نداشته باشند». همچنین به موجب ماده ۱ آیین‌نامه ۱۳۳۷، معیار «غیرتجاری» بودن مؤسسات، «غیرتجاری بودن موضوع فعالیت» آنها است؛ لذا داشتن قصد کسب سود و منفعت و یا عدم آن تأثیری در غیرتجاری تلقی شدن مؤسسه ندارد و این مسئله تفاوت مهم میان شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجاری است^۱ (دمرچیلی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۳۴). غیرتجاری بودن موضوع فعالیت مؤسسات غیرتجاری تفاوت‌های زیادی را در بازشناسی مسئولیت اعضای آن در برابر اشخاص ثالث ایجاد می‌کند؛ چراکه جنبه‌های غیرتجاری و صنفی حاکم بر این مؤسسات بر روابط مالی آن با اشخاص ثالث برتری دارد. برای مثال، دادگاه استیناف نیویورک در خصوص مسئولیت شخص حقیقی در مؤسسات غیرتجاری با موضوع امور حقوقی چنین اعلام نظر کرده است: «رابطه وکیل و موکل، یک رابطه میان کارفرما و خدمتگزار یا مستخدم در معنای محدود و والای آن است. این رابطه متضمن بالاترین اعتماد و اطمینان است و نمی‌تواند بدون رضایت واگذار شود. چنین رابطه‌ای نمی‌تواند بین وکیلی که از سوی مؤسسه استخدام شده تا امور حقوقی را برای مشتری مؤسسه انجام دهد و موکل وجود داشته باشد، زیرا وکیل تابع دستورات مؤسسه است و نه تابع دستورات موکل...»^۲. این نوع نگاه در حقوق داخلی ما نیز وجود دارد؛ برای مثال، مسئولیت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی هیچ‌گاه رافع مسئولیت پزشک نیست و در مؤسسات حقوقی نیز مسئولیت انتظامی متوجه وکیل عضو مؤسسه بوده، وجود قرارداد مستقل بین موکل و مؤسسه حقوقی، رافع مسئولیت وکیل نیست. البته نباید فراموش کرد که در تمام فروض یادشده، عضو مؤسسه به واسطه مسئولیت ناشی از حرفه در برابر اقدامات قصورآمیز خویش مسئول است، نه تحت عنوان وکیل. لیکن قبول این نوع مسئولیت در خصوص اعضای شرکت‌های تجاری با محدودیت‌هایی مواجه است که با توجه به غیرتجاری بودن موضوع مؤسسات مورد بحث، این محدودیت‌ها در مورد مؤسسات غیرتجاری وجود ندارد.

از طرفی قوانین و رویه قضایی کشورهای مختلف در خصوص ورود زیان به شخص ثالث در

۱. طبق ماده ۲ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب ۱۳۳۷ در تعریف مؤسسه می‌توان گفت که به جز انواع شرکت، برخی شرکت‌ها وجود دارند که هدف از بنیان آن‌ها، کارهای غیرتجاری مثل فعالیت ادبی، علمی، خیریه و خدماتی است که به آن‌ها مؤسسه گفته می‌شود. مؤسسات غیرتجاری دو نوع هستند: مؤسسات غیرانتفاعی مثل انجمن‌های ادبی، علمی، اسلامی که هدف از تأسیس آن‌ها جلب منافع و تقسیم سود بین اعضای خود نیست و مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضا خود یا غیر باشد؛ مانند کانون‌های فنی و حقوقی و ...

2. Matter of Cooperative Law Co, The Court of Appeals of New York, 1910.

اثر اقدامات مؤسسات حرفه‌ای موضع واحدی ندارند و در یک دسته‌بندی کلی آن‌ها را می‌توان در دو قالب، نامحدود بودن مسئولیت اعضای مؤسسه، و محدودیت مسئولیت آنان تقسیم کرد (سوادکوهی فر و بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۹۴: ۵۸۰). بدیهی است اتخاذ مقررات نامحدود در مسئولیت اعضا، آنست که عضو نسبت به اعمال قصورآمیز و اقدامات خسارت‌بار حرفه‌ای دیگر اعضا نیز مسئول بوده، از این جهت مشابه شرکت تضامنی است؛ در گذشته، برخی ایالت‌های امریکا مانند آریزونا، اورگان در این دسته قرار داشتند و در حال حاضر، تنها تعداد کمی از آنها مانند وایومینگ و ویسکانسین در این رده جای می‌گیرند (Martinez, 2013, p. 735). اما در حقوق داخلی، رویه خاصی در این خصوص وجود ندارد و تفکیک محدود یا نامحدود بودن مسئولیت سهام‌داران و یا ارکان مؤسسه می‌تواند بسته به نوع حرفه‌ای که شخص حقوقی به آن اشتغال دارد متفاوت باشد. هرچند که اغلب مؤسسات غیر تجاری با موضوعات تخصصی مانند وکالت و پزشکی فعالیت می‌کنند، لیکن این تفاوت را نمی‌توان به‌عنوان وجه تمایز مؤسسات غیر تجاری تلقی کرد، چراکه برخی دیگر از مشاغل و موضوعات غیر تجاری در قالب مؤسسات غیر تجاری فعالیت دارند و نوع حرفه ایشان اقتضای چنین سخت‌گیری‌هایی را نمی‌کند. لذا در حقوق ایران رویه واحدی در برخورد با مسئولیت مدیران و سهام‌داران مؤسسات غیر تجاری وجود ندارد و در این خصوص نیازمند تصویب قانون با تفکیک بین فعالیت‌های انتفاعی و غیرانتفاعی این‌گونه از مؤسسات هستیم. شایان ذکر است چنین تفکیکی در تبصره ۱ ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۱ در واقع، فعالیت‌های غیرانتفاعی مؤسسات معاف از مالیات هستند، اما فعالیت‌های انتفاعی آنها همانند دیگر اشخاص حقوقی محاسبه خواهد شد. لذا می‌توان با توسل به این معیار بین مسئولیت ناشی از افعال این مؤسسات در راستای اهداف غیرانتفاعی و انتفاعی تفاوت قائل شد و در مورد اخیر همانند شرکت‌های تجاری نسبت به اداره‌کنندگان و سرمایه‌گذاران این‌گونه از مؤسسات قوانین سختگیرانه‌ای را اعمال نمود.

امکان ثبت مؤسسه تک‌عضوی. دومین تفاوت میان شرکت‌های تجاری با مؤسسات غیر تجاری در خصوص محدودیت در تعداد حداقل اعضای تشکیل‌دهنده آن است. در قوانین داخلی برای تشکیل شرکت‌های تجاری حداقلی برای اعضای مؤسس تعیین شده است، زیرا لازمه کار مشارکت، برخورداری از کار گروهی است و این در حالی است که در خصوص تعداد اعضای مؤسسات غیر تجاری حداقلی تعیین نشده است. همچنین در حقوق امریکا تشکیل

۱. «در مورد اشخاص حقوقی ایرانی غیر تجاری که به منظور تقسیم سود تأسیس نشده‌اند، در صورتی که دارای فعالیت انتفاعی باشند، از مأخذ کل درآمد مشمول مالیات فعالیت انتفاعی آنها، مالیات به نرخ مقرر در این ماده وصول می‌شود».

مؤسسات غیرتجاری تک‌عضوی پیش‌بینی نشده بود و مشاغل غیرتجاری تحت قالب مؤسسات سهامی حرفه‌ای که آن را «شرکت سهامی حرفه‌ای» (Professional Corporation) نیز می‌نامند فعالیت می‌کردند (رمضانی قوام‌آبادی و شفیع‌ی سردشت، ۱۳۹۱: ۱۰۵). این وضعیت تا پیش از اوایل دهه نود میلادی بر حقوق امریکا حاکم بود و از آن تاریخ به بعد تقریباً در تمام ایالت‌ها به‌جز ایالت کالیفرنیا اجازه ثبت مؤسسات تک‌عضوی در قالب مؤسسات با مسئولیت محدود داده شد. (Arnold, 1961, p. 96) در عین حال، مؤسسات غیرتجاری وسیله‌ای هستند که به افراد اجازه می‌دهند در انجام فعالیت‌هایی که به‌طور انفرادی قادر به انجام آن نیستند باهم مشارکت کنند. در حقوق داخلی ما هیچ ضرورتی وجود ندارد که مؤسسه غیرتجاری به‌وسیله اشخاص متعددی تشکیل گردد؛ به عبارت بهتر، ممکن است مؤسسه غیرتجاری تنها از سوی یک شخص تأسیس و اداره شود (ابطال موادی از آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب ۱۳۳۷ وزارت دادگستری، ۱۳۸۴).^۱ در این فرض، هیچ شکلی در وجود شخصیت حقوقی

۱. شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: در ماده ۱، بند «ب» ماده ۵۰، بند «د» ماده ۶ و ماده ۹ آیین‌نامه مورد شکایت، کلمه «مؤسسين» و «تشكيل دهندگان» به‌صورت جمع و به‌گونه‌ای به‌کار رفته است که موهم این معنی است که این‌گونه مؤسسات که غیرتجاری و به‌صورت غیرشرکت می‌باشند حتماً باید دارای حداقل دو مؤسس یا عضو یا شریک باشند و تشکیل مؤسسات موضوع این آیین‌نامه با یک نفر مؤسس جایز نیست و با همین برداشت، ادارات ثبت از ثبت مؤسساتی که دارای یک مؤسس یا عضو یا شخص می‌باشند، خودداری می‌کنند؛ لذا از آنجایی که نیاز به تعدد مؤسس در این‌گونه مؤسسات به‌تصریح قانون‌گذار وابسته است، کاربرد کلمات «مؤسسين» و «تشكيل دهندگان» به‌صورت صیغه جمع در ماده ۱ و واژه «اشخاص» در بندها و مواد یادشده، خلاف قانون و خروج از حوزه آیین‌نامه‌نویسی و باعث تضییع حقوق افرادی است که به‌صورت انفرادی قصد تشکیل مؤسسه غیرتجاری را دارند، حکم به ابطال موارد یادشده را درخواست می‌کنند. مستشار اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در پاسخ به شکایت یادشده طی نامه شماره ۷/۸۹۰۰/۱۹۳۱ مورخ ۲۶ آذر ۱۳۸۱ ضمن ایراد عدم توجه دعوی به قوه قضائیه اعلام داشته‌اند، واژه‌های مؤسسين و تشکیل دهندگان، هیچ‌گاه موهم این معنی نیست که حتماً بایستی افراد مؤسس بیش از یک نفر باشند، بلکه شامل یک نفر هم می‌شود. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرا به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی هیئت عمومی علاوه بر اینکه در لایحه جوابیه شماره ۷/۸۹۰۰/۱۹۳۱ مورخ ۲۶ آذر ۱۳۸۱ تصریح شده است که «کلمات مؤسسين و تشکیل دهندگان هیچ‌گاه موهم این معنی نیست که حتماً بایستی افراد مؤسس بیش از یک نفر باشد، بلکه شامل یک نفر هم می‌گردد» اساساً استفاده از واژه‌های مؤسس، تشکیل دهندگان، کسانی و اشخاص به‌صورت جمع به‌عنوان عوامل تأسیس‌کننده تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری یادشده در آیین‌نامه مورد اعتراض و صاحبان امضا از باب هماهنگی آنان با مؤسسات و تشکیلات غیرتجاری است که به‌صورت جمع انشا شده است و مفید ضرورت تعدد افراد در ایجاد یک مؤسسه واحد نیست؛ بنابراین مقررات آیین‌نامه پیش‌گفته از جهتی که مورد اعتراض قرار گرفته است مغایرتی با قانون ندارد «طبق رویه عملی، اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری از ثبت مؤسسات تک‌عضوی غیر از مؤسسات حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه ممانعت به‌عمل می‌آورند».

مستقل از تشکیل دهنده آن وجود ندارد؛ لذا نظریه مسئولیت محدود همچنان در مورد این مؤسسات جاری است (نیازی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴). این برداشت اگرچه از نظر منطقی قابل قبول است، اما از نظر مبنایی نیاز به بررسی بیشتری دارد. لذا باید دید که چگونه وجود مؤسسات تک‌عضوی با وصف استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود تنها سهام‌دار آن قابل توجیه است.

می‌توان گفت طبق نظریه «دارایی اختصاصی»، دارایی هر شخصی به دو بخش قابل تقسیم است؛ بخش اول، «دارایی حرفه‌ای» و بخش دوم، «دارایی شخصی». لذا در مؤسسات تک‌عضوی، شخص حقیقی بخشی از دارایی خویش را برای فعالیت حرفه‌ای اختصاص می‌دهد و قسمت دیگر را با عنوان «دارایی شخصی» به‌دور از مخاطرات احتمالی ناشی از فعالیت حرفه‌ای محفوظ می‌دارد. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در پذیرش نظریه خویش که شباهت زیادی به نظریه «دارایی اختصاصی» دارد بیان داشته است: «این دسته از امور، در شمار امور اعتباری عقلایی به‌شمار می‌رود و وجودی جز اعتبار و جعل ندارد و آنچه برابر آن است، همان قرار عقلا هست و ملکیت یکی از مصادیق روشن آن است» (مرتضوی، ۱۳۹۳: ۷). لذا دارایی به‌عنوان یک امر اعتباری می‌تواند به دو یا چند بخش تقسیم شود؛ در خصوص ترکه متوفی، قبل از تقسیم نیز نظریه تفکیک دارایی شخص واحد مطرح شده و مورد قبول قرار گرفته است (کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی: ارث، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

زمان/ایجاد شخصیت حقوقی. تفاوت ظاهری دیگری که می‌توان میان مؤسسات غیر تجاری با شرکت‌های تجاری مورد بررسی قرار گیرد، زمان ایجاد شخصیت حقوقی در این مؤسسات است. برابر ماده ۵۸۴ قانون تجارت مؤسسات غیر تجاری از تاریخ ثبت در دفتر مخصوص در دایره ثبت شرکت‌ها شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند و این در حالی است که سکوت قانون‌گذار در خصوص زمان تزریق شخصیت حقوقی به شرکت‌های تجاری موجب اختلاف‌نظرهایی شده است (پاسبان، ۱۳۹۷: ۱۶). عده‌ای بر این باورند که شرکت‌های تجاری از زمان تشکیل دارای شخصیت حقوقی می‌شوند^۱ و گروهی دیگر زمان ثبت را مناسب وضعیت یادشده می‌دانند^۲ (شاملی، ۱۳۸۴: ۵۰). در

۱. ماده ۱۷ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب اسفند ۱۳۴۷: «مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیة مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن، اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند، قبول سمت به‌خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسئولیت‌های سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند و از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود».

۲. قانون راجع به ثبت شرکت‌ها: ماده دوم- کلیه شرکت‌های ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی - ضمانتی مختلط تعاونی) که در تاریخ اجرای این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور عمل نکرده‌اند باید مهر تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات

حقوق فرانسه به شرکت‌های تجاری مانند مؤسسات غیر تجاری پس از ثبت، شخصیت حقوقی تعلق می‌گیرد (طبق ماده ۱۸۴۲ قانون مدنی و ماده ۵ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶)، اما این تفاوت نیز نمی‌تواند راهگشای تعیین میزان مسئولیت اعضا و مدیران مؤسسات باشد.

مسئولیت مدیران. قانون‌گذار در اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، مدیران شرکت‌های تجاری را تحت شرایطی مسئول پرداخت دیون شرکت نموده است. طبق مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ ق.ل.ا.ق.ت، در صورتی که ورشکستگی یا عدم کفایت سرمایه شرکت ناشی از تخلف مدیران نسبت به انجام وظایفی باشد که طبق قانون یا اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی برعهده ایشان بوده است، آنها مسئول پرداخت خسارات وارده خواهند بود. همچنین در فرضی که تخلف مدیر یا مدیران به ورود خسارت به شرکت یا اشخاص ثالث منجر گردد، آنان به جبران خسارت وارده مکلف‌اند؛ به شرطی که خسارت از سرمایه شرکت قابل جبران نباشد. در شرکت‌های سهامی اختیارات مدیران بر مبنای قانون تعیین می‌شود و محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی، در هر صورت، فقط از لحاظ روابط میان مدیران و صاحبان سهام معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان‌لم‌یکن است. در شرکت با مسئولیت محدود، هرگاه به محدودیت اختیارات مدیران در اساسنامه تصریح شود، در مقابل اشخاص، ثالث نیز معتبر است. بر اساس ماده ۱۰۸ قانون تجارت و ماده ۱۱۵ لایحه اصلاحی (حسنی، ۱۳۸۷: ۲۸۴)، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، قانون در خصوص مسئولیت مدیران مؤسسات غیر تجاری ساکت است و دادگاه‌ها نیز رویه روشنی در این خصوص از خود نشان نداده‌اند.

۴. خرق حجاب شخصیت حقوقی

تا اینجا مشخص شد که مؤسسات غیر تجاری همانند شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و علی‌رغم اینکه ممکن است یک مؤسسه غیر تجاری فعالیتی به‌مراتب پرسودتر و درعین حال پیچیده‌تر نسبت به یک شرکت تجاری داشته باشد، قانون و رویه قضایی در خصوص نحوه اداره کردن و حدود مسئولیت این مؤسسات سکوت کرده است. با مقایسه بین احکام کلی و تشابهات میان شرکت‌های تجاری با مؤسسات غیر تجاری نیز نمی‌توان قانون حاکم

قانون تجارت تطبیق نموده، مطابق قانون یادشده تقاضای ثبت کنند، والا به تقاضای مدعی‌العموم بدایت محلی که ثبت باید در آنجا به عمل آید محکمه مدیران آنها را به صد تا هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای مدعی‌العموم، حکم انحلال شرکت متخلف نیز صادر خواهد شد. در صورتی که مدت فوق برای تطبیق تشکیلات با قانون تجارت و تقاضای ثبت کافی نباشد، رئیس محکمه ابتدایی محل به تقاضای شرکت تا سه ماه مهلت اضافی خواهد داد.

ماده ۱۹۵ قانون تجارت: «ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکت‌ها است.»

بر این گونه مؤسسات را تعیین کرد؛ چراکه شرکت‌های تجاری نیز از یک قانون واحد تبعیت نمی‌کنند و هریک از شرکت‌ها بسته به نوع آن، محکوم به اجرای قانونی خاصی هستند. از طرفی، دسته‌بندی شرکت‌ها به «شرکت‌های اشخاص» و «شرکت‌های سرمایه» نیز در این خصوص راهگشا نیست؛ چراکه به همان نسبت که مؤسسات غیرتجاری به شرکت‌های سرمایه‌ای شباهت دارند، در برخی موارد نیز به دلیل ماهیت فعالیت مؤسسه و استفاده از اعتبار تخصصی برخی از سهام‌داران (مانند اعتبار وکلای عضو در مؤسسات حقوقی و داور) این شبهه به وجود می‌آید که با یک شرکت تضامنی و یا مختلط روبرو هستیم.

بررسی قوانین کشورهای همچون آمریکا، انگلیس و فرانسه نیز راهکار مشخصی برای ما ارائه نکرده است. هریک از نظام‌های حقوقی بسته به حساسیت موضوع، قوانین خاصی را بر این گونه از مؤسسات تحمیل کرده‌اند. برخی از کشورها مسئولیت محدود سهام‌دار و مدیران را به طور مطلق پذیرفته‌اند و برخی دیگر با مؤسسات حرفه‌ای مانند یک شرکت سهامی برخورد کرده‌اند؛ بعضی هم قواعد مسئولیت مطلق و تضامنی را جاری دانسته‌اند. از نظر نگارندگان این مقاله، در حقوق داخلی با توجه به عمومات حاکم بر شخصیت حقوقی (باب پانزدهم قانون تجارت)، قاعده مسئولیت محدود به طور کامل نسبت به مؤسسات غیرتجاری به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، اما پذیرش این اصل به معنی پذیرش مطلق عدم مسئولیت مدیران مؤسسات غیرتجاری نیست. لذا قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی می‌تواند به عنوان یکی از استثنای اصل «مسئولیت محدود» اعضای این مؤسسات مورد توجه قرار گیرد.

۵. لزوم توسل به قاعده

ممکن است اشخاصی با تأسیس مؤسسات غیرتجاری و در لوای شخصیت حقوقی ناشی از آن به دنبال تقلب نسبت به قانون باشند. برای مثال، افرادی که تخصص لازم و کافی در اخذ پروانه وکالت دادگستری ندارند، با تأسیس مؤسسه حقوقی عملاً اقدام به فعالیت وکالتی می‌نمایند و یا افراد حرفه‌ای که با تأسیس مؤسسه غیرتجاری، حق الزحمه خویش را در قالب ثمن قراردادی از مشتری دریافت می‌کنند و در مقابل با انعقاد قراردادی پرمخاطره با توسل به شخص حقوقی و عدم انجام تعهدات قراردادی از سوی اصیل، مشتری را با مؤسسه‌ای ورشکسته روبرو کرده، خود را از بار مسئولیت رها می‌کنند. در قانون ایران برای این گونه از اقدامات راهکار مشخصی پیش‌بینی

۱. به موجب ماده ۲۰ قانون تجارت شرکت‌های تجاری بر هفت قسم‌اند: دو شرکت تعاونی سهامی عام و تعاونی فراگیر ملی به موجب قانون اجرای سیاست‌های کلی نظام معرفی شده است و طبق بند «الف» ماده ۲۱ قانون احکام دائمی توسعه برنامه‌های کشور، نهادها و مؤسسات مالی زیر نظر بانک مرکزی و همچنین تعاونی‌های اعتبار به موجب دستورالعمل تأسیس، فعالیت و نظارت بر شرکت‌های تعاونی اعتبار در سال ۱۳۸۳ تصویب شده است.

نشده است، اما می‌توان با بهره‌گیری از قاعده معروف «خرق حجاب شخصیت حقوقی» مانع نفوذ چنین اقداماتی شد و با کنار گذاشتن مسئولیت محدود سهام‌داران، مدیران متقلب را مسئول وضعیت پیش‌آمده دانست. حقوق‌دانان معاصر برای نفوذ در شخصیت حقوقی، راهکارهای مختلفی را پیشنهاد داده‌اند؛ از جمله نظریات مطرح شده عبارت‌اند از: نظریه «تقلب نسبت به قانون»، نظریه «سوءاستفاده از حق»، نظریه «اصیل واقعی»، نظریه «لاضرر»، نظریه «اعتماد به ظاهر» و قاعده «دارا شدن بلاجهت» و در حقوق امریکا نیز خرق حجاب شخصیت حقوقی، در قالب دکترین حقوقی شناخته می‌شود. در حقوق این کشور دکترین معادل قاعده حقوقی و الزام‌آور است و دادگاه‌ها ملزم به اعمال و رعایت آن هستند (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۸۸).

۶. محدودیت‌های اعمال قاعده

در نظام‌های مختلف حقوقی به‌ندرت پوشش شخصیت حقوقی را نادیده می‌گیرند و چهره واقعی اداره‌کنندگان آن را آشکار می‌سازند، زیرا منافع اجتماعی ناشی از شناخت مسئولیت محدود، آن را بر مضرات ترجیح می‌دهند. همان‌گونه که گفته شد، هدف از تأسیس نظریه مسئولیت محدود این است که خطرهای اقتصادی برای سهام‌داران به‌منظور تشویق به ریسک بیشتر در سرمایه‌گذاری کاهش یابد و به‌دنبال این سیاست، دادگاه‌ها خرق حجاب شخصیت حقوقی را به‌سهولت نپذیرفته‌اند، چراکه اشخاص حقیقی با ایجاد شخصیت حقوقی قصد محدود کردن مسئولیت خویش را دارند (قنبری جهرمی و باغبان، ۱۳۹۳: ۹۹). همچنین با نگاهی به رویه داور بین‌المللی از منظر دیوان داور، خواهیم دید که خرق پوشش شخصیت حقوقی در حقوق بین‌المللی یک مسئله استثنایی است و تنها در شرایط خاص به‌منظور حمایت از حقوق سهام‌داران قابل‌اعمال است (انصافی آذر، ۱۳۹۷: ۱۹۱). این موضوع در قضیه «بارسلونا ترکشن» نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد. موضوع این پرونده به‌اجمال این بود که یک شرکت برق کانادایی که در اسپانیا فعالیت می‌کرد، طبق ادعایی که مطرح شد، بر اثر مداخلات غیرقانونی دولت میزبان دچار ضرر مالی شده و در نهایت اعلام ورشکستگی کرده بود. اکثریت سهام‌داران این شرکت بلژیکی بودند. دولت بلژیک با توسل به راهکار حمایت دیپلماتیک، اقدام به طرح دعوایی علیه دولت اسپانیا در دیوان بین‌المللی دادگستری نمود. دیوان با این استدلال که شرکت زیان‌دیده کانادایی است، نه بلژیکی، دعوی دولت خواهان را مسموع ندانست. از دید دیوان مراجع بین‌المللی نباید اقدام به خرق پوسته قانونی شرکت‌ها نمایند. این رأی در سال ۱۹۷۰ صادر شد، اما دیوان در پرونده مشابه دیگری یعنی در پرونده «جمهوری گینه علیه

۱. این مسئولیت می‌تواند شامل مسئولیت قراردادی، الزامات خارج از قرارداد، مسئولیت کیفری و انتظامی باشد.

جمهوری کنگو در قضیه «Diallo» مجدداً این اصل را تأیید و ابرام کرد؛ لذا اصل استقلال شخصیت حقوقی بوده، مسئولیت اعضا و مدیران استثنا است (صفار، ۱۳۷۳: ۴۳۷) و برای اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی باید طبق قواعد و ضوابط خاصی عمل نمود و به صرف ورود زیان به طلبکاران، نمی‌توان اصل «مسئولیت محدود» سهام‌داران را نادیده گرفت و شخصیت حقوقی را یکباره به کناری وانهاد. این قاعده به این معنی است که در صورت عدم کفایت دارایی مؤسسه، دادگاه می‌تواند با نادیده گرفتن شخصیت حقوقی که مانند حجابی میان شخصیت حقیقی اعضای مؤسسه و شخصیت حقوقی آن حایل ایجاد کرده است، مدیران یا سهام‌داران را محکوم به پرداخت دیون نماید. هرچند که برای دستیابی به این مهم مقدماتی لازم است و اصولاً به اثبات تقصیر اعضا یا مدیران مؤسسه نیاز است، اما نباید آن را با دعوای مسئولیت مدنی مدیران شخصیت حقوقی خلط نمود. دو ویژگی عمده که این تأسیس را از موارد مشابه متمایز می‌کند این است که اولاً در استناد به این قاعده لزومی به صدور حکم ورشکستگی شرکت وجود ندارد و دوم اینکه برای مسئول شناختن مدیران و یا اعضای مؤسسه نیاز به طرح دعوای جداگانه‌ای نبوده، دادگاه رأساً حکم به پرداخت دیون از اموال مدیران و یا اعضای شخصیت حقوقی صادر می‌نماید. لذا «این نظریه دو اصل استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود را نقض می‌کند» (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۸۶).

۷. بررسی رویه قضایی

در حقوق داخلی رویه واحدی در این مورد وجود ندارد، لیکن به نظر می‌رسد امروزه دادگاه‌ها به سوی قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی حرکت می‌کنند و از سخت‌گیری‌های سابق خود دست برداشته، در جهت تعدیل این مانع بر سر راه طرح دعوا علیه شرکت‌ها گام برمی‌دارند. لذا در حقوق ایران خرق حجاب شخصیت حقوقی را می‌توان با استناد به نظریه سنتی «لاضرر» توجیه کرد. برخی بر این باورند که در حقوق ایران اصل منع سوءاستفاده از حق می‌تواند بر حقوق و اصول حقوقی غلبه نماید.^۲ لذا مسئولیت محدود شرکای شرکت تجاری نیز از این قاعده مستثنا نیست و حقوق شرکای شرکت‌های تجاری به موجب اصل منع سوءاستفاده از حق محدود

۱. برای مشاهده معیارهای مختلف شناسایی سرمایه‌گذار حقیقی و حقوقی و تأثیر آن در نظریه خرق پوسته شرکت، ر.ک. کتاب سرمایه‌گذار در رویه دآوری بین‌المللی، تألیف بهنام انصافی آذر.
 ۲. «...اگر تاجر در رقابت با همکاران خود به راه‌های نامشروع توسل جوید آن تاجر صرفاً به قصد اضرار غیر کار نمی‌کند، بلکه نفع خود را در نظر می‌گیرد. اصل رقابت هم در نظام اقتصادی جامعه مشروع تلقی می‌شود تنها وسایل نامشروعی که تاجر مذکور در راه وصول خود به کار گرفته است عمل او را مشمول عنوان سوءاستفاده می‌کند» (موحد، ۱۳۹۷: ۱۹).

می‌شود. طلبکاران بدون نیاز به صدور حکم ورشکستگی یا انحلال شخص حقوقی می‌توانند با فرض وجود اسبابی که شرح آن را خواهیم گفت، با استناد به قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی خواستار مراجعه مستقیم به دارایی سهام‌داران و مدیران شرکت شوند.

۸. تأثیر اوضاع و احوال

مهم‌ترین نکته در خصوص قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی این است که اعمال این نظریه به میزان زیادی وابسته به «اوضاع و احوال» و همچنین «رفتار متعارف» مدیران است. این خصوصیات قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی را به قواعد حاکم بر «شبه جرم» (Tort) و «مسئولیت مدنی» (Civil Liability) نزدیک‌تر می‌کند. این نوع تفکر می‌تواند تا حدودی راهگشای ما در تبیین نظریه بومی نسبت به این قاعده باشد؛ چراکه نظریه خرق حجاب شخصیت حقوقی در حقوق انگلیس که خاستگاه این نظریه است، برگرفته از قاعده انصاف و عدالت در حقوق کامن‌لا است. آنچه حقوق‌دانان انگلیسی را به نفوذ در شخصیت حقوقی وادار کرده، برقراری عدالت در قالب اقداماتی همچون «درونی کردن هزینه‌ها» (Internalization of Social Costs) یا «تحمیل هزینه‌های اجتماعی فرد به خود فرد» است (شهبازی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲) که با مبانی حقوق داخلی ما هماهنگی زیادی ندارد.

۹. اعمال قاعده در خصوص مؤسسات غیر تجاری

همان‌گونه که گفته شد، اصولاً سهام‌داران شخص حقوقی مسئولیتی در قبال اقدامات دیگر اعضای شخص حقوقی ندارند که از آن به «مسئولیت محدود» تعبیر می‌شود. این سخت‌گیری در خصوص شرکت‌های تجاری تا حدودی نسبت به مؤسسات غیر تجاری نیز اعمال می‌شود. مخصوصاً در مورد مدیرانی که مبادرت به فعالیت به نمایندگی از مؤسسه می‌کنند، بیشتر نظام‌های حقوقی اتفاق نظر دارند که فرد یادشده نمی‌تواند بابت اعمال قصورآمیز خویش از پوشش شخص حقوقی برای محدودیت مسئولیت خود در قبال شخص ثالث بهره‌بردار. در نتیجه در صورتی که فردی به مؤسسه غیر تجاری مراجعه و انجام خدمتی را درخواست کند و نیز مؤسسه انجام آن خدمت را به مدیر خود واگذار نماید و در اثر تقصیر مدیر خسارتی به مشتری وارد شود، مؤسسه حقوقی مسئولیت جبران خسارت را خواهد داشت. اما در حقوق فرانسه، هریک از اعضای سهام‌دار در مؤسسه غیر تجاری را شخصاً و بدون محدودیت در قبال دیون و تعهداتی که به‌طور مستقیم ناشی از اعمال ایشان باشد، مسئول می‌شناسند (Clark, 1996, p.

120) قانون 16 نوامبر 1140 برای اولین بار مسئولیت مدیران شرکت سهامی عام در برابر دیون شرکت را تحت شرایطی پیش‌بینی کرد. پس از آن، قانون اول آگوست 1183 این مسئولیت را به مدیران مؤسسات غیر تجاری نیز تسری داد (Jeantin, 2003, p. 50) و بر طبق قانون 28 ژانویه ۱۱۵۸ فرانسه، در حالی که شخصیت حقوقی هنوز منحل نشده و به فعالیت خود مشغول است، مسئولیت مدیران قانونی و عملی بر طبق قواعد مسئولیت مدنی و خرق حجاب شخصیت حقوقی نسبت به مدیران قابل اعمال است (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۵).

۱۰. اعمال قاعده در ضمان قهری

اسباب خرق ممکن است در مرحله تشکیل مؤسسه یا در مرحله اداره آن تحقق یابد و در صورتی که اسباب خرق در مرحله تشکیل مؤسسه تحقق یافته باشد، مؤسسان و مدیران مؤسس می‌توانند طرف دعوا قرار گیرند (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۷). در حقوق داخلی و با عنایت به ماده ۹ آیین‌نامه ثبت مؤسسات غیر تجاری، اساسنامه مؤسسات غیر تجاری قانون حاکم بر مؤسسه است و به نظر می‌رسد این توافقات در برابر ثالث نیز معتبر و قابل استناد باشد.

۱۱. مسئولیت خاص مدیران

گفته شده است که در بیشتر مصادیق خرق حجاب شخصیت حقوقی، تقصیر به‌عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدیران مورد استناد است، ولی در برخی مصادیق خرق حجاب شخصیت حقوقی، مسئولیت محض جایگزین مسئولیت مبتنی بر تقصیر می‌شود (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۷). بر اساس دیدگاه عده‌ای دیگر تنها زمانی می‌توان مسئولیت شخص حقوقی را بر دوش مدیران آن قرار داد که ایشان مرتکب تقلب شده باشند (شهبازی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵) و این در حالی است که تقلب ممکن است از سوی مؤسسان و در مرحله ثبت شخص حقوقی محقق شود و گاهی مدیران در اداره شخص حقوقی از اعمال متقلبانه بهره می‌برند. اگر توسل به تقلب پس از ثبت شخصیت حقوقی و در زمان اداره کردن شخص حقوقی باشد، قاعده کلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر کفایت می‌کند و مدیران مؤثر در اقدامات متقلبانه یا مدیرانی که مؤسسه را از تقلب منع نکرده‌اند، مسئول‌اند (Cheng, 2011, p. 80)؛ فارغ از اینکه آیا اعمال این قواعد نسبت به مدیران مؤسسات غیر تجاری قابل تسری هست یا نه؟ برخلاف نظر دیگر

۱. ماده ۹: «مؤسسات و تشکیلات مذکور باید کلیه تغییراتی که در مواد اساسنامه و یا اشخاصی که حق امضا دارند و یا اقامتگاه قانونی آنها پیدا می‌شود ظرف یک ماه به اداره ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند و مادام که اطلاع نداده‌اند استناد به آن تغییرات در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود».

حقوق دانان! تبیین مسئولیت خاص مندرج در قانون تجارت با نظریه خرق حجاب شخصیت حقوقی که مد نظر ماست، هیچ تناسبی ندارد. در واقع، علاوه بر تفاوت‌های شکلی در امکان محکومیت مدیران برابر مواد پیش‌گفته، جنس مسئولیت نیز با جنس مسئولیت در خرق حجاب شخصیت حقوقی کاملاً متفاوت است. در مسئولیت‌های خاص قانونی، مدیران به واسطه اعمال خویش مسئول شناخته می‌شوند و محکوم‌له می‌تواند شرکت، سهام‌داران و یا شخص ثالث باشد، اما در خرق حجاب شخصیت حقوقی، ما به دلیل مقاصد نامتعارف و استفاده ابزاری از مؤسسه به‌طور کلی شخصیت حقوقی را نادیده می‌گیریم و اصیل را به پرداخت خسارت محکوم می‌کنیم (Barber, 1980: 380). لذا به نظر می‌رسد که قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی چیز جدیدی نیست و ماهیتاً با قواعد عام مسئولیت مدنی مطابقت دارد؛ اما آن چیزی که این قاعده را نسبت به شکل کلی مسئولیت مدنی متفاوت کرده، در شکل رسیدگی و اختیار دادگاه جهت محکومیت مدیران هم‌زمان در رسیدگی به دعوا علیه شرکت است. در واقع، طبق این قاعده، مسئولیت مدیران احتیاج به سبب جدیدی ندارد و نیازی به طرح دعوی جدیدی علیه مدیران، آن‌هم پس از صدور حکم علیه شرکت و عدم امکان اجرای آن نیست، بلکه دادگاه در رسیدگی اصلی پس از احراز شرایط خاصی، مدیران را به ایفای تعهد یا پرداخت خسارت محکوم می‌نماید.

نتیجه

با توجه به گسترش شاخه‌های مختلف مشاغل غیرتجاری، و کاربرد روزافزون مؤسسات حرفه‌ای در بهره‌مندی افراد متخصص از مزایای آن و با توجه به سکوت قانون‌گذار در خصوص نحوه اداره این‌گونه مؤسسات و مسئولیت مدیران و اعضای آن، تبیین راهکاری منطقی و قانونی جهت تشخیص حدود مسئولیت اعضای مؤسسات غیرتجاری، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. مؤسسات غیرتجاری همانند شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و با توجه به سکوت قانون ابهاماتی در خصوص حدود مسئولیت اعضا و مدیران این‌گونه مؤسسات وجود دارد. قانون‌گذار در باب پانزدهم قانون تجارت، قواعد مشترک اشخاص حقوقی را فارغ از نوع آن، مورد شناسایی قرار داده و در بحث شرکت‌های تجاری حسب مورد قواعد و قوانینی به فراخور نوع شرکت برای مدیران و سهام‌داران ابداع کرده است. لیکن مؤسسات غیرتجاری در این خصوص مهجورند و به‌جز یک ماده در این قانون و یک آیین‌نامه غیرجامع در خصوص نحوه ثبت و تعدادی قانون خاص، مقرره دیگری در مورد این مؤسسات تصویب نشده است. از طرفی، مقایسه بین

۱. فرجی، اسماعیل (۱۳۹۰)، نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری؛ دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری رشته حقوق خصوصی.

احکام کلی و تشابهات میان شرکت‌های تجاری با مؤسسات غیر تجاری نیز راهگشا نبوده، نمی‌تواند قانون حاکم بر این‌گونه مؤسسات را با توسل به قوانین حاکم بر شرکت‌های تجاری تعیین نمود؛ چراکه شرکت‌های تجاری از یک قانون واحد تبعیت نمی‌کنند و هریک از شرکت‌ها بسته به نوع آن محکوم به اجرای قانون خاصی هستند. از طرفی، دسته‌بندی شرکت‌ها به «شرکت‌های اشخاص» و «شرکت‌های سرمایه» نیز در این خصوص راهگشا نبوده، به همان نسبت که مؤسسات غیر تجاری به شرکت‌های سرمایه‌ای شباهت دارند، در برخی موارد نیز به دلیل ماهیت فعالیت مؤسسه و استفاده از اعتبار تخصصی برخی از سهام‌داران (مانند اعتبار وکلای عضو در مؤسسات حقوقی و داوری) شباهت این مؤسسات به شرکت‌های اشخاص را چند برابر می‌کند. این نقص و کمبود قانونی مختص حقوق داخلی نبوده، در حقوق خارجی نیز مؤسسات غیر تجاری مورد کم‌لطفی قانون‌گذاران قرار گرفته‌اند. از سویی، بررسی قوانین اخیر کشورهای همچون آمریکا، انگلیس و فرانسه نیز راهکار مشخصی به ما ارائه نکرده است و به‌طور کلی هریک از نظام‌های حقوقی بسته به حساسیت موضوع، قوانین خاصی را بر این‌گونه از مؤسسات تحمیل کرده‌اند. در برخی از کشورها مسئولیت محدود سهام‌دار و مدیران به‌طور مطلق پذیرفته شده‌اند و برخی دیگر با مؤسسات حرفه‌ای مانند یک شرکت سهامی برخورد می‌کنند؛ گاهی نیز قواعد مسئولیت مطلق و تضامنی را بر این مؤسسات روا داشته‌اند. از نظر نگارندگان، در حقوق داخلی با توجه به عمومات حاکم بر شخصیت حقوقی (باب پانزدهم قانون تجارت)، قاعده مسئولیت محدود به‌طور کامل نسبت به مؤسسات غیر تجاری به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است؛ اما پذیرش این اصل به معنی عدم مسئولیت مدیران و اعضای مؤسسات غیر تجاری به‌طور مطلق نیست. از منظر نویسندگان این مقاله، شخصیت حقوقی ماهیتی غیرواقعی و غیرملموس دارند که قانون‌گذار آن را به رسمیت شناخته است؛ لذا جعل شخصیت حقوقی در جهت حفظ منافع اشخاص حقیقی که واقعیات تشکیل‌دهنده شخص حقوقی هستند وضع شده است؛ بنابراین می‌توان استفاده از پوشش شخص حقوقی را تحت عنوان یک حق برای اشخاص حقیقی مورد شناسایی قرار داد. لذا هر زمان که شخص حقیقی از این حق سوءاستفاده نماید و یا از آن به ضرر غیر استفاده کند، می‌توان آن را از مصادیق تقلب و «سوءاستفاده از حق» دانست. همچنین ممکن است رفتار مدیران از استفاده ابزاری از شخصیت حقوقی مؤسسه حکایت کند؛ مانند اینکه مدیران از مؤسسه به‌عنوان اخفای هویت واقعی خود استفاده کنند. از طرفی، اگر شخصیت حقوقی را به‌مانند شیئی اعتباری، در مالکیت سهام‌داران آن بدانیم - که به‌راستی نیز این‌گونه است - باید گفت که عقلاً ضامن مال را کسی می‌داند که منافع، مال اوست و چون منافع از آن مالک است، پس ضامن نیز برعهده مالک است. همچنین در مؤسسات حرفه‌ای به دلیل وجود رابطه مستقیم بین تخصص شخص حقیقی با خدمات ارائه‌شده از سوی مؤسسه، فرد متخصص به‌عنوان اصیل واقعی و مسئول واقعی انجام تعهدات قراردادی و خسارات ناشی از تخلفات شناخته می‌شود. وجه مشترک قوانین کشورهای

مختلف این است که سهام‌دارانی که در مدیریت مؤسسه دخالتی ندارند، هیچ‌گاه در قبال دیون و تعهدات مربوط به اقدامات شخص حقوقی نیز مسئولیتی ندارند؛ لذا مدیران به‌عنوان کنترل‌کنندگان شخص حقوقی، اصیل واقعی تلقی می‌شوند و می‌توان نتیجه گرفت که چون اراده عامل تحت کنترل آمر است، دیون و تعهدات نیز برعهده اراده‌کننده است. لذا شرط تحمیل مسئولیت به مدیران برابر قاعده پیش‌گفته، احراز این موضوع است که اعمال صورت‌گرفته از سوی مؤسسه، با اراده مستقیم مدیر یا مدیران صورت گرفته باشد و به صرف اینکه مدیران بر نحوه کار مؤسسه نظارت دارند، نمی‌توان ایشان را مسئول قلمداد کرد، بلکه باید اراده خود را به مؤسسه منتقل کرده باشند تا به‌عنوان اصیل واقعی مورد شناسایی قرار گیرند. لذا پیشنهاد می‌شود در حقوق داخلی ضمن تفکیک میان فعالیت‌های انتفاعی و غیرانتفاعی مؤسسه و نیز تأکید بر اینکه کلیه مؤسسات غیرتجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل از اعضای خود هستند، قوانینی تدوین گردد که طبق آن در صورتی که هریک از اعضای مؤسسه یا هر شخص دیگری به‌عنوان مدیر عملی یا هر عنوان دیگری، اداره یا کنترل مؤسسه غیرتجاری را برعهده داشته باشد و از فعالیت‌های انتفاعی مؤسسه مستقیماً بهره‌مند گردد یا مؤسسه صرفاً به‌عنوان ابزاری در راستای منافع آن شخص مورد استفاده قرار گیرد و یا شخصیت حقوقی را پوششی برای فعالیت‌های شخصی خود قرار دهد به‌نحوی که اعمال انتفاعی مؤسسه صرفاً برای آن شخص باشد، شخص یا اشخاص یادشده مسئول دیون و تعهدات مؤسسه قرار می‌گیرند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. انصافی آذر، بهنام (۱۳۹۷، ب). سرمایه‌گذاری در رویه دآوری بین‌المللی، تهران: شهر دانش.
۲. بناء نیاسری، ماشالله (۱۳۸۶). «قواعد عمومی شرکت‌ها مطالعه‌ای برای اقتصادهای در حال گذار»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۴۵.
۳. پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۷). حقوق شرکت‌های تجاری، تهران: سمت.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۲). مقدمه علم حقوق، تهران: گنج دانش.
۵. جعفری هرندی، محمد (پاییز ۱۳۸۴). «جایگاه شخصیت حقوقی»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۱.
۶. جنیدی، لعیا و زارع، ملیحه (بهار و تابستان ۱۳۹۴). «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت‌نشده شرکت»، مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۱.

۷. حسنی، حسن (۱۳۸۷). حقوق تجارت مشتمل بر کلیه مباحث، تهران: نشر میزان.
۸. دمرچیلی، محمود؛ حاتمی، علی؛ قرانی، محسن (۱۳۹۳). قانون تجارت در نظم حقوق کنونی، ج ۲۲، تهران: انتشارات کتاب آوا.
۹. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و شفیعی سردشت، جعفر (تابستان ۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی طرح ناظر بر تأسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد»، تحقیقات حقوقی، ش ۵۸.
۱۰. سوادکوهی‌فر، سام و بیگی حبیب‌آبادی، محمد (زمستان ۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی در نظام وکالت دادگستری و ضرورت تجویز وکالت اشخاص حقوقی (شرکت خدمات حقوقی)»، مطالعات حقوق خصوصی، ش ۴.
۱۱. شاملی، محمد (۱۳۸۴). «زمان تحقق شخصیت حقوقی در شرکت‌های سهامی»، وکالت، ش ۱۰.
۱۲. شهبازی‌نیا، مرتضی؛ عیسائی تفرشی، محمد؛ کاویانی، کورش؛ فرجی، اسماعیل (تابستان ۱۳۹۰). «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، حقوقی دادگستر، ش ۷۴.
۱۳. صفار، محمدجواد (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، تهران: نشر دانا.
۱۴. صفری، منصور (مهر و آبان ۱۳۴۴). «شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری»، نامه‌اتفاق بازرگانی، ش ۱۴۷.
۱۵. علومی قزوینی، سید علی و مسعودیان‌زاده، سید ذبیح‌الله (زمستان ۱۳۹۳). «قاعده من له الغنم فعلیه الغرم»، فصلنامه پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، دوره جدید، ش ۱، پیاپی ۴.
۱۶. قنبری جهرمی، محمدجعفر و باغبان، رحیم (پاییز ۱۳۹۳). «اقامه دعوا علیه بنگاه‌های چندملیتی: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، چالش‌ها. تحقیقات حقوقی»، ش ۶۷.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی: ارث، ج ۴، تهران: نشر میزان.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). قواعد عمومی قراردادها (نسخه ۳)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۹. کاشانی، سید محمود (۱۳۵۲). نظریه تقلب نسبت به قانون - حیل، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۲۰. کاویانی، کورش (۱۳۸۶). حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۱. مرتضوی، سیدضیاء (۱۳۹۳). «مبانی و ادله اعتبار شرعی شخصیت حقوقی»، فقه و اصول، ش ۲.
۲۲. مصطفوی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ ق). مائه قاعده فقهی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. موحد، محمدعلی (۱۳۹۷). حق و سوءاستفاده از آن، تهران: کارنامه.
۲۴. موسوی خویی، سید ابوالفضل (۱۴۱۲). مصباح الفقاهه، ج ۷، چ ۱، بیروت: دارالهادی.

۲۵. نخعی پور، قاسم و سعیدی، علی (بهار ۱۳۹۸). «اعتبارات عقلایی در تحلیل مبنای شخصیت حقوقی»، *آموزه‌های فقه مدنی*، ش ۱۹.
۲۶. نصیری، مرتضی و فخرایی، محمدجواد (۱۳۶۴). «نظریه اصیل واقعی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۱.
۲۷. نیازی، عباس؛ کمرخانی، ایام؛ جلیلیان، محسن (۱۳۹۴). «بررسی شرکت تک شریک در حقوق ایران با نگاه تطبیقی»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ش ۸.
۲۸. هراری، یووان نوح (۱۳۹۶). *انسان خردمند*. تهران: فرهنگ نشر نو.

ب) خارجی

29. Arnold, T. (1961). **Incorporation of Professional in Ohio Past**. *Akron Law Review*.
30. Barber, D. (1981). "Piercing the Corporate Veil". *Willamette Law Review*, No. 17.
31. Bhagat, S. & Romano, R. (2002). "Event Studies and the Law: Part II: Empirical Studies of Corporate Law", *American Law and Economics Review*, No. 4 (2).
32. Cheng, T. (2011). "The Corporate Veil Doctorin Revisited: A Comaparative Study of the English and the U.S. Corporate Veil Doctrines", *Boston College International and Comparative Law Review*, No. 34.
33. Clark, A. (1996). **Business Entity**. *London: London Swett & Maxwell*.
34. Cozian, M & Viandier, A. (1992). **Droit des scoiété**. c. édition ,paris: Litec.
35. Fasciani, P. (2007). "Groups of Companies: The Italian Approach", *European Company and Financial Law Review*, No. 4 (2).
36. Fraser, W. K. (1927). "Reorganization of Companies in Canada". *Columbia Law Review* , No. 27.
37. Jeantin, M. (2003). **Droit commercial: Instruments de paiement et de** . Paris: Dalloz.
38. Johnson, J. (1995). "Limited Liability for Lawyers: General Partners Need not Apply". *The Business Lawyer*. No. 51.
39. Johnson, J. (1995). "Limited Liability for Lawyers: General Partners Need not Apply". *The Business Lawyer*. No. 51.
40. Koch, R & .Stadtman, G. (2016). **Das Gesetz zur Angemessenheit der Vorstandsvergütung**, Vol. 60.
41. Martinez, L. P. (2013). "A Unified Theory of Insurance Risk", *University of Pittsburg Law Review*, No. 74.
42. Payne, J. (1997). "Lifting the Corporate Veil: A Reassessment of the Fraud Exception", *The Cambridge Law Journal*, No. 56 (2).
43. Philip, I. B. (1993). "The Multinational Challenge to Corporation Law: the Search for A New", *Oxford University Press*.